

امروز کشورمان ایران در منطقه ای قرار دارد که اروپائیان آنرا "خاورمیانه" نامگذاری کرده و ما نیز براول گذشته بدون اندیشیدن این نام یا واژه تحقیر آمیز را برای خود بکار می بریم. در این نوشتار به تاریخچه ساخت این نام بدست غریبان و سیاست استعماری/استثماري پشت آن پرداخته شده است.

ریشه و تاریخچه واژه توهین آمیز "خاورمیانه"

نام "خاورمیانه" واژه‌ای است که اروپاییان با توجه بر موقعیت جغرافیایی مجموعه کشورهای ایران که در خاور[شرق] آنان قرار داشته، نامگذاری کرده اند.

نام "خاورمیانه" برای نخستین بار توسط دولت بریتانیا در کمپانی هندشرقی بدون آنکه حد و مرزی برایش قائل شود در سال ۱۸۵۰ ضرب شد.^[1] سپس در سال ۱۹۰۲ از سوی یک سرگرد آمریکایی بنام 'مهن' حد و مرزی برای این نام نوشته شد که در برگیرنده سرزمین‌هایی میان خلیج فارس (ایران) و کانال سوئز (مصر) بود و تا به امروز بکار برده می شود.^[2] واژه "خاورمیانه" تا سال ۱۹۳۰ و برقراری "فرماندهی خاورمیانه" (Command East Middle The) در قاهره توسط ارتش بریتانیا در درون گیومه (" - ") و بگونه ای غیررسمی نوشته می شد، که پس از آن مبدل به یک نام رسمی گشت.^[3] از آن زمان با آنکه واژه "خاورمیانه" مبدل به یک نام رسمی گشته بود و دیگر درون گیومه نوشته نمی شد، ولی تا پیش از جنگ جهانی دوم مرزهایش در حال دگرگونی بود، بدینروی کشورهای غربی، برای آسان سازی کار خود ب هسه منطقه بخشبندی کردند: خاور نزدیک، خاور دور و خاورمیانه. "خاور نزدیک"، در برگیرنده کشورهای ترکیه، عراق، اردن، سوریه و فلسطین بود؛ - "خاور دور"، چین و کشورهای پیرامون آت - و سرانجام "خاورمیانه" دربرگیرنده کشورهای واقع در میان "خاور-دور" و "خاور-نزدیک"، و شامل کشورهای ایران و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس (عربستان، یمن و عمان، ساحل دزدان یا امارات امروزی و غیره)، می شد.

پس از ۱۹۴۶ و برقراری بنیادهای گوناگون پژوهشی و دانشگاهی در آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی، مرزهای خاورمیانه به مرزبندی ۱۹۰۳ که سرگرد مهن قرار داده بود، تثبیت و تا به امروز در همه مدارک رسمی و دانشگاهی بکار می رود. همچنین دولت آمریکا از سال ۱۹۵۷ و بر اساس ”اندیشمان آیزنهاور“ (Doctrine Eisenhower)، این نام را بطور رسمی بکار می برد.^{[[5]]} در زبان فارسی نیز همین اصطلاح اروپامحوری را ایرانیان بی چون و چرا و بدون در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی خود پذیرفته و تا به امروز بکار می برند.

پس از فروپاشی نظام سلطنتی در ایران در سال ۱۳۵۷ و ساخت ”اسلام سیاسی“، واژه ”خاورمیانه سیاسی“ نیز با آن زاده شد، که معنای تازه، ولی غیررسمی به کل واژه خاورمیانه داد، و امروزه غیرمستقیم به کشورهای اسلامی اطلاق می شود که از دریای مدیترانه تا خلیج فارس (شامل پاکستان) و از شمال آفریقا تا فرارودان (آسیای مرکزی!) و قفقاز قرار دارند.

”خاورمیانه“، واژه ای توهین آمیز

همانگونه که در بالا توضیح داده شد، ”خاورمیانه“ یک واژه اروپامحور است که حتی خود مردمان کشورهای که در این منطقه زیست می کنند، خود را ”خاورمیانه ای“ معرفی کرده و در همه گزارش ها و مدارک رسمی و دولتی، هر زمانی که دخالت فرهنگ، سیاسی یا نظامی آمریکا و بریتانیا در منطقه می شود، نام ”خاورمیانه“ بکار برده می شود. اکنون پرسشی که مطرح می شود: ”آیا این واژه توهین آمیز است یا نه؟“

الف: نخستین ناهنجاری که این واژه پدید می آورد، اروپا محوران، چندصد میلیون انسان در آسیای غربی، که شامل ملیت ها، نژادها، تواریخ، فرهنگ ها، تمدن ها، آئین ها، مذاهب، ادیان، رسوم و سنت های گوناگونند، از جمله ایرانیان که نیاکانشان پرچم دار فرهنگ و تمدن بشری می باشند، را در یک سبد ریخته و بر پیشانی همه مهر ”خاورمیانه ای“ می زنند، که حتی امروز در آمریکا مبدل به واژه ای برای توهین کردن و برابر توهین واژه ’شترسوار‘ (Jockey Camel)، که در گذشته ویژه اعراب بود، مبدل شده است!^{[[6]]}

ب: دومین ناهنجاری، زیر پرسش و کمرنگ ساختن دستاوردهای ملل منطقه، بویژه ایرانیان است. برای نمونه واژه هایی که امروز ”تمدن اسلامی“، ”دانش اسلامی“، ”دانشمندان اسلامی“، ”معماری اسلامی“ و ”هنر اسلامی“ (Art Islamic) و این اسلامی و آن اسلامی پدید آمده است، که نادرست ترین و توهین آمیزترین آن ها واژه هایی می باشند که اروپامحوران برای ما ساخته اند، آنهم در اکثر زمان ها به شکل مفرد آن، و نه ”تمدن های اسلامی“ یا ”هنرهای اسلامی“ – که ما نیز بنوبه خود، همانند بره ای رام و آرام، به آنان گوش فراداده و با فرمانبرداری این واژه های توهین آمیز را برای خود بکار می بریم.

برای نمونه، یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی که اروپائیان او را ”دانشمند اسلامی“ می خوانند، محمد زکریای رازی، کاشف الکحل است، که به صراحت نه تنها اسلام، بلکه همه کیش های سامی (ابراهیمی) را رد کرده بود:

”عقل بزرگترین موهبت خداوند است و به مدد آن می توان در این دنیا و آن دنیا سعادتمند شد و به یاری خرد و دانش و تفکر از وجود انبیا اسلامی مستغنی و بی نیاز هستیم.“

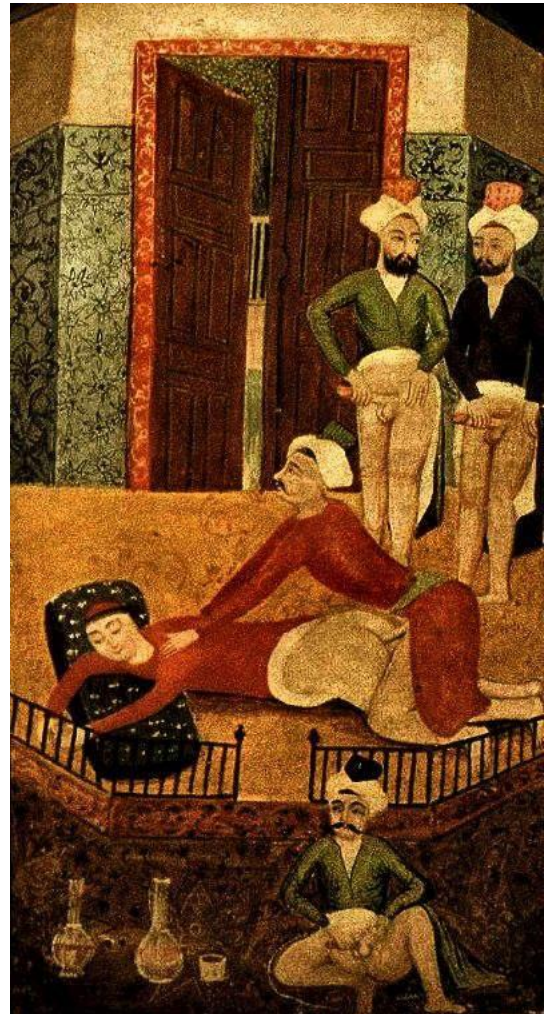
و خیام نیشابوری، اندیشمند، شاعر، ادیب، فیلسوف، ریاضی دان، ستاره شناس، پژوهشگر نامی ایرانی، که یکی از شاگردان زکریای رازی (و پورسینا) بود، اروپائیان او را ”ریاضی دان و ستاره شناس اسلامی“ می خوانند؛ این در حالیست که خیام از اندیشه های عربی-اسلامی منزجر بوده است:

می می خورم و مخالفان از چپ و راست

گویند مخور باده که دین را اعداست

چون دانستم می عدو دین است

والله بخورم خون عدو را که رواست



یا نمونه دیگر آن، اصطلاح "هنر اسلامی" است، که اروپامحواران به هنر کشورهای مسلمان اطلاق می کنند، و بجز در یکسری طرح ها که به یکدیگر شباهت دارند، در کل و زیربنایی با یکدیگر متفاوت می باشند؛ که البته حتی برخی از آن هنرها نیاستی پسوند "اسلامی" را به یدک کشند، از جمله نگاره های صفوی، که شاهان صفوی را در حال عیش و نوش و باده گساری نشان می دهند (زیرا در کیش اسلام، نوشیدن الکل ممنوع و حرام شمرده می شود)؛ - یا نگاره های عثمانی که هنرمندان شان صحنه های همجنسبازی مردان را با نشان دادن آلت تناسلی آنان به قلم کشیده اند!

در اینجا جای دارد تا به کتابی به نام "نقاشی عربی" اشاره شود که سه دهه پیش توسط یک آمریکایی بنام ریچارد اتینگهاوزن نوشته و چاپ شده بود. اتینگهاوزن، یکی از نامی ترین کارشناسان باصطلاح "نگارگری اسلامی" بشمار می رفت، که با نوشتن و چاپ کتاب نامبره، تا به امروز بعنوان یک کتاب اصلی پژوهشی در اکثر دانشگاه های رشته "نگارگری اسلامی" در کشورهای غربی تدریس می شود. ولی با نگاهی به کتاب او، به آسانی می توان دریافت که بیش از ۸۰ درصد از نگارگری هایی که او در کتاب خود بنام هنرهای عربی و اسلامی ارائه داده است، ایرانی می باشند.^[7] این در حالیست که حتی یک آفرینش هنری از عربستان که زادگاه اسلام است، در هیچ موزه ای در جهان یافت نمی شود. بهر روی، دستاورد کتاب اتینگهاوزن اینست که امروزه همه "نگارگری های ایرانی"، بنام "نقاشی عربی" شناخته شده و کارشناسان دیگر این رشته به تبعیت از اتینگهاوزن، آن ها را عربی معرفی کرده و با همین عنوان از سوی دانشگاهیان غربی بچاپ رسانده اند.^[8]

بنابراین، زمانی که سخن از ”هنرهای اسلامی“ (نه هنر اسلامی) به میان می آید، بایستی تنها محدود به هنرهایی شود که در رابطه با دین اسلام باشد، از جمله معماری مساجد، تذهیب قرآن ها و غیره - ولی همان نام نیز نادرست است زیرا که آنها هم با یکدیگر متفاوت هستند! برای نمونه، معماری مساجد ایران (ایران بزرگ از جمله در فرارود/خراسان تاریخی)، شامل گنبد، مناره و گلدسته و پلان چهار ایوانی، بر اساس و ادامه هنر ساسانی-اشکانی است، و سبک و شیوه گنبد ها، منار ها، گلدسته ها یا پلان های مساجد در سوریه، مصر یا شمال آفریقا که بر اساس هنر رومی-بیزانسی آفریده شده اند، کاملاً متفاوت می باشند. در نتیجه، نهادن آن ها هم در یک سبد، نه تنها نادرست است، بلکه توهین آمیز، بویژه برای ایران بایستی بشمار رود.

نیز بایستی اشاره کرد، اشیایی که در اکثر موزه های جهان بنام ”هنر اسلامی“ نگهداری و شناسانده می شوند، بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد از آن ها هنرهایی می باشند که بدست هنرمندان ایرانی پدید آمده و در حقیقت ”هنر های ایرانی“ بایستی خوانده شوند نه اسلامی.

پ: سومین ناهنجاری که این نامگذاری پدید می آورد، چون همه مردمان این منطقه را در یک سبد ریخته شده و در یک مجموعه نام برده می شوند، هر خلاقی، از جمله مسائل تروریستی که یک بخش از منطقه مرتکب شود، مابقی هم آن برچسب را با خود به یدک خواهند کشید. نمونه زنده و بارز آن، گروه تروریستی داعش^[9] است که اکثر اعضایش نخست عرب و سپس ترک و پاکستانی می باشند، ولی خود کار همه ی مردمان باصطلاح ”خاورمیانه“ بویژه ایرانیان، تروریست می شوند و در زمان تنبیه همه به یکسان توان آنرا می پردازند، که در حقیقت می توان گفت بزرگترین ”تنبیه دستجمعی“ است جهان در (Collective punishment)

راهکار چیست؟

www.suren-pahlav.com

www.suren-pahlav.com



www.suren-pahlav.com

مسلمانان در دستسازی از خود ما آغاز می شود، و نخستین گام دوری جستن از بکاربردن از این واژه است؛ سپس با مشارکت دیگر ملل قاره آسیا این نامگذاری نادرست و توهین آمیز را برای همیشه از واژگان سیاسی قاره زدوده و بر اساس دانش جغرافیایی، نامگذاری نو و درستی بر آن نهاده شود.

بهر روی، راهکار بکاربری نام درست، روشی است که اروپائیان برای خود بکار میبرند. اروپائیان قاره خود را به پنج بخش در دو مجموعه جغرافیایی و فرهنگی، بخشبندی کرده اند: اروپای شمالی، مرکزی و جنوبی - غربی و شرقی. سه نام نخست، اشاره به بخشبندی جغرافیایی دارد و دو واپسین نام، اشاره به فرهنگ آنان دارد - غربی و شرقی.

برای نمونه ایران، واقع در قاره آسیا است و اگر نگاهی به نقشه این قاره بیفکنیم، می بینیم که ایران در غربی ترین بخش این قاره قرار دارد. اینک، اگر این نقشه به ۶ بخش افقی و عمودی بخشبندی شود، در بخش افقی آن، ایران در آسیای میانه و از بخش عمودی در آسیای غربی قرار می گیرد. (نقشه سمت چپ) بنابراین ایران را می توان جزو کشورهای آسیای باختری [غربی] شمرد؛ یا البته آسیای میانه باختری.

نیز اگر بخواهیم بی طرفانه و با عدالت با کشورهایی که در قاره اروپا و آمریکا قرار دارند برخورد کنیم، بر اساس همین نامگذاری نو، به کشورهای قاره اروپا و آمریکا اشاره شود. [10]

شاپور سورنپهلو

روز امرداد از ماه اسفند سال ۳۷۵۳ بهدینی

۲۰ فوریه ۲۰۱۵ ترسای

پی نوشت ها:

1 – Beaumont, P., et al, "The Middle East: A Geographical Study", (1988), p.16

2 – Koppes, CR., "Captain Mahan, General Gordon and the origin of the term "Middle East"", in the Middle East Studies (1976), Vol.12, pp95–98

3 – Held, Colbert C., "Middle East Patterns: Places, Peoples, and Politics", Westview Press (2000), p. 7

4 – Davison, Roderic H., "Where is the Middle East?". Foreign Affairs 38, vol. 4 (1960), pp.665–75.

5 – Cassidy, F., "Dictionary of American Regional English"(1991), p.521

6 – همان

7 – http://books.google.co.uk/books/about/Arab_Painting.html?id=8qDqAAAAMAAJ&redir_esc=y

8 – <http://www.brill.com/arab-painting>

9 – سورنپهلو، شاپور، ”داعش، میوهٔ مرگبار بنیادگرایی اسلامی و فرزند ناخلف صهیونیسم و غرب!“

10 – البته اگر تصمیم بر مقابله به مثل و شیوه ای خصمانه همانند آنان باشد، بایستی همه کشورهای اروپا و آمریکا، در کنار آفریقا و استرالیا را به سه بخش ”باختر نزدیک، باختر میانه و باختر دور“ (West Far and West Middle، West Near)، بخشندی کرده و همه هنرها و دستاوردهای آنان در کاسه ای بنام ”هنر مسیحی“ ریخته و یکی سازیم. نیز تروریست های زاده آن کشورها، بعنوان ”تروریست های مسیحی“ خوانده شوند، بدون در نظر گرفتن ملیت یا باورهایشان.

□